

به تحولات ناشی از نگرش جامعه به امور نظامی می‌نگرد که بروز آثار جدی را موجب شده و رفتار کشورها به‌ویژه آمریکا را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. تحولات جمعیتی، گسترش اطلاع‌رسانی، شبکه‌محور شدن جامعه، نقش روزافزون مردم در تصمیمات و حتی تصمیمات نظامی و تغییر در دیدگاه مردم بخشی از این انقلاب جدید است، درحقیقت این تحولات ناشی از پدیده جهانی شدن است؛ مثلاً درحالی‌که در دهه‌های گذشته هر خانواده چند فرزند داشت و کشته شدن بیش از یک نفر در جنگ، اگرچه امری تأسفبار ولی از لحاظ روانی امکان‌پذیر بود، در دوران اخیر اغلب خانواده‌ها فقط یک فرزند دارند و باتوجه به تحولات اجتماعی، دیگر کشته شدن آن یک نفر بسیار سنگین و تحمل‌ناپذیر است و بنابراین میزان تحمل جامعه درمقابل تلفات در جنگ‌ها بسیار محدود شده‌است و کشورهایمانند آمریکا بسیار آسیب‌پذیر شده‌اند. (امینیان جزی، ۱۳۹۷: ۱۸۵)

فی‌الواقع در درجه نخست، یکی از مهم‌ترین عوامل در پشتیبانی و پیروزی در یک جنگ، حمایت افکار عمومی است. به‌طورمثال عموماً گفته می‌شود یکی از دلایلی که مانع از حمله آمریکا به ایران می‌شود، عدم‌آمدگی و حمایت افکار عمومی آمریکا برای حمایت و پشتیبانی از جنگ با ایران است، طبیعتاً این مسئله باعث می‌شود تا تصمیم‌گیران در امور استراتژیک و نظامی با دشواری‌های بسیار زیادی مواجه باشند و به‌آسانی مبادرت به جنگ با یک کشور خاص نکنند. به‌طورمثال، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از عملیات موشکی شهید سلیمانی، در بند چهارم بیانیه خود بیان می‌کند: «به مردم آمریکا توصیه می‌کنیم برای پیشگیری از خسارت‌های بیشتر، سربازان آمریکایی را از منطقه فراخوانده و اجازه ندهند با نفرت‌افزایی روزافزون رژیم ضد مردمی حاکم بر ایالات متحده، جان نظامیان آن کشور بیش از این به خطر افتد»، این پیام با هوشمندی بسیار، نوع نگرش و نگاه مردم ایالات متحده آمریکا را درباره جنگ با ایران تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر این مسئله باعث شده‌است تا استفاده نکردن از نیروی زمینی و نیروی پیاده به تدریج به‌عنوان یک اصل مهم برای کشورها مبدل شود. به‌عنوان مثال از مهم‌ترین عناصر راهبرد اوباما در قبال داعش، حمایت هوایی و حملات هوایی